

شش الگوی تفکر

درباره‌ی اطلاعات

دوید دوبونو

مترجم

مرجان مهدی‌پور

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Six Frames

Edward DeBono

سرشناسه: دوپونو، ادوارد، ۱۹۳۳ - م
عنوان و نام پدیدآور: شش الگوی فکر: درباره‌ی اطلاعات / ادوارد دوپونو؛ ترجمه‌ی مرجان مهدی‌پور
مشخصات ناشر: تهران: نشر قطره، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص
فروست: سلسله انتشارات - ۱۲۶۲. روان‌شناسی - ترجمه - ۱۶۲
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۸۷۸-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: *Six Frames: for thinking about information*
یادداشت: چاپ قبلی: ایران‌بان، ۱۳۹۰
موضوع: اندیشه و تفکر
شناسه‌ی افزوده: مهدی‌پور، مرجان، ۱۳۵۰ - مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۴۶ ش ۹ / د ۴۴۱ BF
رده‌بندی دیویی: ۴۲/۱۵۳
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۹۷۰۶۲

ISBN: 978-600-119-878-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۸۷۸-۶



شش الگوی تفکر

ادوارد دوبونو

مترجم: مهدی پور

طراح جلد: یگانه نصیری زیبا

چاپ چهارم: (چاپ اول نشر قطره) ۱۳۹۵

چاپ: دیجیتال نقش

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

بها: ۸۰۰۰ تومان

استاد از این اثر، به هر شکلی،

بدون اجازه ممنوع است.

خیابان دکتر فاطمی، خیابان دایره (ششم)، کوچه بنفشه، پلاک ۸

تلفن: ۸۸۹۰۳۳۵۱-۱

دورنگار: ۰۲۱-۹۶۰۱۹۹۶

کد پستی: ۱۴۱۶۰۳۱۳

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۱۵	هدف الگوی مثلث
۳۷	درستی الگوی دایره
۴۹	دیدگاه الگوی مربع
۶۵	جذاییت الگوی قلب
۷۹	ارزش الگوی لوزی
۹۵	نتیجه‌گیری الگوی مستطیل
۱۰۳	نتیجه‌گیری
۱۰۵	درست‌انگاری
۱۰۹	درباره‌ی نویسنده کتاب

پیش‌گفتار

توجه^۱ مهم‌ترین به‌شمار نفک است. با این حال، ما به آن کم‌تر توجه نشان می‌دهیم. چنین به نظر می‌رسد که توجه بردن^۲، و دبه‌خود اتفاق می‌افتد. هر چیز غیر معمولی می‌تواند ما را جلب کند. اگر شما کسی را ببینید که روی کف خیابان دراز کشیده است، توان باز به او جلب می‌شود. اگر چشم‌تان به یک سگ صورتی بیفتد، توجه و احساسات‌تان به سوی آن سگ کشیده می‌شود. این از ضعف توجه ماست که تنها مسائل^۳ ساده^۴ توجه ما را به خود جلب می‌کند؛ اما چیزهای معمولی چه قدر مورد توجه ما قرار می‌گیرد؟ ادراک^۵ بخش مهمی از تفکر است. پژوهشی که توسط^۶ بریدر^۷ در دانشگاه هاروارد انجام شده است، نشان می‌دهد که نود درصد از خداهای^۸ تکرارشی از خطای ادراک است. وجود قوی‌ترین منطق نیز نمی‌تواند جای ادراک را بگیرد. بر اساس برهان^۹ گودل^{۱۰}، وقتی در درون یک موقعیت هستیم، با هیچ میزانی از منطق، قادر

1. attention
2. perception
3. David Perkins

4. Kurt Godel: گودل، ریاضیدان، منطق‌دان و فیلسوف اتریشی‌الاصل آمریکایی (۱۹۰۶ تا ۱۹۷۸)
است. که به طرح قضایای نام‌امیت اشتهاار بافت.

به اثبات بديهيات اوليه^۱ نيسٲيم، مگر به کمک ادراک شهودی. توجه بخش مهمی از ادراک به شمار می آید. اگر نتوانیم توجه خود را هدایت کنیم، تنها می توانیم الگوهای آشنا را ببینیم.

هدایت توجه^۲

یکی جهت دادن به توجه چه کاری از ما ساخته است؟ افزون بر آن که می توانیم عبرت کنیم تا توجه مان به سوی چیزی غیرعادی جلب شود، می توانیم الگوهایی را برای «هدایت» توجه مان به روشی خودآگاه، ترتیب دهیم. درست همان طور که تصمیم می گیریم که به شمال یا جنوب شرق نگاه کنیم، می توانیم الگویی برای هدایت توجه خود نیز بسازیم. این موضوع اصلی شش الگویی است که در این کتاب مطرح می شود. هر الگو جهتی را نشان می دهد که باید به آن سو نگاه کرد. نگاه می کنیم، توجه داریم که بینیم در آن سو چه می توان دید. با استفاده از این الگوها، می توانیم نیازهای مان برطرف شود. می توانیم توقع دست یابی به ارزش های مان را داشت، باشیم. می توانیم در خود علاقه ایجاد کنیم. می توانیم منتظر به دست آوردن دست یابی های مطلوب دیگری باشیم. هر یک از این شش الگو برای هدایت توجه ما به کار می آید.

انبوه اطلاعات^۳

ما در محاصره ی اطلاعات قرار گرفته ایم (با وجود اینترنت و منابع دیگر) سرگز به دست آوردن اطلاعات تا به این حد راحت نبوده است، با این حال، اطلاعات به

1. starting point
2. directing attention
3. information mass

تنهایی کافی نیست. آنچه مهم است طرز نگاه ما به اطلاعات است. یعنی این که چگونه از اطلاعات به بهترین نحو بهره بگیریم؟ این همان موضوعی است که نیاز به توجه دارد.

این شش الگو روشی را برای بهره‌گیری بیشتر از اطلاعات در اختیارمان می‌گذارد، از این روش که اهمیت آن‌ها درست بدانده‌ای خود اطلاعات است. بهره‌گیری از این روش بسیار آسان است، اما برای آن که کارآمد باشد، لازم است که سه نتیجه را در دهان به آن عمل شود. باور داشتن به لزوم انجام دادن چیزی کافی نیست، لازم است که آن کار با برنامه و عاقدانه انجام داده شود.

مقدمه

بزرگ‌ترین آفت برای تفکر سردرگمی است. متأسفانه، هرچه ذهن فعال‌تر باشد، احتمال آن که سردرگم شود بیشتر است. هدف تفکر درست، رسیدن به خروج است؛ اگر وضوح به بهای از دست دادن وسعت نظر حاصل شود، ارزشی ندارد. این که ما درباره‌ی بخش بسیار کوچکی از یک موقعیت، بینش بسیار روشنی داشته باشیم، ذاتاً خوب نیست، بلکه می‌تواند خطرناک باشد. لازم است که به‌طور هم‌زمان دربارۀ یک موضوع، هم نظری روشن و هم جامع به‌دست آوریم.

اصلی‌ترین دلیل سردرگم شدن ما آن است که می‌خواهیم چند چیز را با هم انجام دهیم. وقتی ذهن بکوشد که هم‌زمان چند کار را با هم انجام دهد، نتیجه این می‌شود که یکی از آن کارها را تمام و کمال و دیگر کارها را تقریباً بی‌هیچ موفقیتی انجام ندهد. به همین دلیل است که شش کلاه تفکری^۱ که در اختیاران می‌گذارم، چنین نیرومند عمل می‌کند. موضوع این است که اگر سعی کنیم که همه چیز را با هم انجام دهیم،

1. confusion
2. Six Thinking Hats

سبک و سیاقی منفی و بحرانی را پیش گرفته‌ایم، چرا که این روش معمول‌ترین راه است و بیش‌تر افراد همین شیوه را پیش می‌گیرند. شش الگو پیشنهادی من امروزه به‌وفور به کار گرفته می‌شود - حتی در نشست‌های بلندمرتبه‌گان اقتصادی - چرا که به کارگیری آن‌ها، عملی شدن بررسی کامل موضوع و گفت‌وگویی سازنده را تضمین می‌کند. ما در عصر اطلاعات زندگی می‌کنیم. اطلاعات بر سر ما می‌بارد و به آسانی می‌توانیم به هر اندازه اطلاعات که نیازمند باشیم - در واقع بسیار بیش‌تر از حد نیازمان - دست یابیم. در مقابل این همه اطلاعات، باید چه واکنشی نشان دهیم. اگر نیاز و وابستگی به اطلاعات دارید یا اگر پرسش خاصی دارید که نیازمند پاسخ است، یک منبع درست را انتخاب می‌روید و پاسخ می‌گیرید. اگر بخواهید بدانید که بعد از سال ۱۳۵۷، اولین پروازی که لندن را به مقصد پاریس ترک می‌کند کدام است، یا جدول بازی‌های هواپیمایی را چک می‌کنید یا از آژانس مسافرتی‌تان سؤال می‌کنید. اما هنوز یک چیز دیگر هم هست که باید قبل از انتخاب فرودگاه و خط هوایی‌تان به آن فکر کنید. احتمالاً تا یک خیابان هیترو (منتهی به فرودگاه) در آن ساعات بسیار سنگین است.

اگر تنها به آن دسته از اطلاعاتی بپردازیم که نیاز واقعی ماست، زندگی برای ما آسان و در عین حال، محدود و خسته‌کننده می‌شود. ما نیاز داریم به اطلاعاتی که از طریق تلویزیون، رادیو و مطبوعات به دست می‌آوریم، واک‌بین نشان دهیم. چگونه باید با این اطلاعات برخورد کنیم؟

اطلاعات جنبه‌های بسیار مهمی دارد، از جمله: صحت، سوگیری، اقله‌مندی، مرتبط بودن، ارزشمندی، و از این قبیل. ما می‌توانیم همه‌ی این جنبه‌ها را به یک‌باره مورد ارزیابی قرار دهیم. هم‌چنین می‌توانیم برای اجتناب از سردرگمی، جنبه‌های مختلف را تفکیک کنیم تا مطمئن شویم که همه‌ی روش‌های پرداختن به اطلاعات

را در نظر گرفته‌ایم.

این همان کاری است که کتاب شش‌الگوی تفکر قصد دارد برای فکر کردن درباره‌ی اطلاعات به آن بپردازد. ما به هر یک از الگوها نگاهی جداگانه می‌اندازیم. آیا اطلاعاتی که پیش روی ماست تا چه حد صحت دارد؟ آیا در این اطلاعات غرضی قایل گرفته است؟

شما می‌توانید خود را به استفاده از این الگوها عادت بدهید. می‌توانید به‌طور خودآگاه توجهتان را به سوی هر یک از الگوها هدایت کنید. می‌توانید از دیگران بخواهید که الگوی خاصی را به کار گیرند: «در این مورد خاص، از الگوی مربع استفاده کن. به نظر می‌آید» می‌توانید وقتی همه در حال استفاده از الگویی واحدند، کاربرد آن را به بحث بگذارید.

اگر از کسی بخواهید که به باغ برود و به همدی رنگ‌های آن نگاهی بیندازد، آن فرد معمولاً رنگ‌های غالب را می‌بیند: مثلاً رنگ قرمز گل سرخ یا رنگ زرد گل زنبق توجه او را جلب می‌کند. در چنین موقعیتی رنگ‌هایی که چشم‌گیری کم‌تری دارند، توجه فرد را جلب نمی‌کند. اگر از او بخواهید که به باغ برگردد و به دنبال رنگ آبی برگردد، و بعد رنگ قرمز و بعد آبی را دنبال کند، توجه او به شکل همه‌گیرتری به کاوش می‌پردازد.

داشتن الگوهایی برای فکر کردن درباره‌ی اطلاعات به این اساس است که هر الگویی ذهن، آمادگی و حساسیت پیدا می‌کند تا به چیزهای مختلفی توجه پیدا کند. ما می‌توانیم به صحت اطلاعات توجه نشان دهیم. می‌توانیم به دیدگاه خاصی پی ببریم که در اطلاعات نهفته است. می‌توانیم جذابیت اطلاعات را دریابیم. هر یک از این الگوها ذهن ما را آماده می‌کند تا به اطلاعاتی که در دست داریم به شیوه‌ی خاصی بنگریم. شش الگویی که در این کتاب توصیف شده است، ابزار ساده‌ای را برای بررسی و تجربه کردن اطلاعات به دست می‌دهد.

وقتی از این ابزار شش گانه‌ی تفکر بهره‌گیری شود، نتایج غیرمنتظره‌ای به دست می‌آید. ممکن است به نظر برسد که چنین چارچوبی بحث را پیچیده‌تر و طولانی‌تر می‌کند، اما در واقع استفاده از این ابزار نعمتها کار را دشوارتر نمی‌کند، بلکه مدت مباحثات را از یک چهارم تا یک دهم کوتاه‌تر می‌کند. بسیار آسان‌تر است اگر در یک زمان تنها به یک کار پردازیم، تا این که بخواهیم چند کار را هم‌زمان انجام دهیم. و تمام مدت نگران باشیم که نکنند یک کار مهم از قلم افتاده باشد.

همین‌طور که این کتاب را می‌خوانید، تصاویر مربوط به هر الگو را در ذهن نگه دارید. هر یک از این تصاویر می‌تواند برای تداعی هر یک از شش راهی که برای تفکر درباره‌ی اطلاعات نیاز داریم، هم‌چون عامل محرکی عمل کند. در مواقعی ممکن است لازم باشد که یکی از روش‌های تفکر درباره‌ی اطلاعات، بیش از روشی دیگر تمرکز کنیم. از این صورت به عمد دست به گزینش زده‌ایم.

وقتی روش‌های مختلف فکر کرد، درباره‌ی اطلاعات را تفکیک می‌کنیم و برای هر یک از آن‌ها نمادی از اسکان متفاوت قرار می‌دهیم، کنترل عملکرد ذهن مان را به دست می‌گیریم. در این حالت می‌توانیم توجه خود را عامدانه‌تر هدایت کنیم و نگذاریم که از روی سردرگمی و بی‌تکلیف، به راهی برود.

ما می‌دانیم که ادراک مهم‌ترین بخش تفکر است. از این رو، روشی که بر اساس آن اطلاعات را درک می‌کنیم، مهم‌تر از دیگر روش‌هاست.